

دیپلماسی هسته ای جمهوری اسلامی ایران

و نظارت پذیری شورای امنیت

گودرز افتخار جهرمی*^۱ علی حاجیانی^۲

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۹/۳۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۷/۱۶

چکیده

دیپلماسی، پدیده ای چند وجهی و مشروع در عرصه بین المللی است که در حقوق و روابط بین الملل، در زمینه تکوین اصول و هنجارهای مشترک و تامین منافع دولت ها دارای اهمیت است. از سویی دیگر، عملکرد بعضا ناصواب شورای امنیت سازمان ملل متحد به مثابه کانونی از چانه زنی های دیپلماتیک، مسئله نظارت پذیری شورای امنیت را به یکی از موضوعات مورد مجادله و همواره مطرح در حقوق بین الملل، تبدیل نموده است. در این خصوص، گروهی از اندیشمندان، با تمسک به موازین حقوقی و فرا حقوقی، معتقدند که در یک نظام قانونمند جهانی موسوم به سازمان ملل متحد، هر رکن و مقامی ولو شورای امنیت، بایستی در مقابل عملکردش، پاسخگو باشد. این مقاله بر اساس این دیدگاه ضمن احصاء موازین حقوق بین الملل در خصوص محدود نمودن صلاحیت شورای امنیت، دیپلماسی هسته ای جمهوری اسلامی ایران را بعنوان پدیده ای نوین، بطور مبسوط مورد بررسی قرار داده و نظارت پذیری نهاد بین المللی مذکور را به استناد دیپلماسی با تکیه به دیپلماسی هسته ای ایران، تبیین و توافق هسته ای و برجام را بعنوان شیوه و راهکار مناسب حقوق و روابط بین الملل در عصر حاضر، جهت به چالش کشیدن تصمیمات و عملکرد شورای امنیت، شناسانده و دستاوردهای آن را بیان کرده و نشان داده ایم که دیپلماسی، چگونه ممکن است، عالی ترین مرجع مقتدر سیاسی بین المللی یعنی شورای امنیت را به تجدید نظر اساسی در تصمیماتش، وا دارد.

واژگان کلیدی: شورای امنیت، نظارت پذیری، دیپلماسی هسته ای، توافق جامع هسته-ای

۱۶۱

سیاست جهانی

۱- استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۲- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

*نویسنده مسئول: g-eftekhar@Sbu.ac.ir

مقدمه

دیپلماسی چه به مثابه یک نهاد چه به مثابه یک ابزار، از دیر باز نقش غیر قابل انکاری در حل و فصل اختلافات و منازعات بین دولت ها داشته است. بر همین مبنا، در نظام حقوقی ملل متحد و روابط بین الملل برای این پدیده، ارزش و جایگاه ویژه ای قائل می باشند. مطابق منشور سازمان ملل متحد یکی از راه حل ها و روش های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، استفاده از شیوه مذاکره و دیپلماسی است. از سوی دیگر، شورای امنیت بعنوان یکی از ارکان ششگانه ملل متحد، دارای یک سلسله وظایف و اختیارات در حفظ صلح و امنیت بین المللی و جهانی و مقابله با تهدیدات بر علیه صلح و امنیت بین المللی و بویژه حفظ صلح و امنیت بین المللی بعنوان وظیفه اولیه و البته نه انحصاری، بوده و دائماً و بصورت مستمر در حال فعالیت می باشد. بر مبنای این اختیارات وسیع، و از ابتدای تأسیس این مرجع بین-المللی تاکنون، این بحث در مجامع سیاسی و علمی مطرح بوده است که آیا عملکرد شورای امنیت قابل نظارت و ارزیابی می باشد یا خیر؟ افزون بر این، با توجه به جایگاه رفیع شورای امنیت، آیا می توان با استفاده از دیپلماسی، تصمیمات این مرجع مقتدر بین المللی را به چالش کشاند و این نهاد سازمان ملل متحد را پاسخگوی عملکردش، نمود؟ برخی از اندیشمندان، معتقدند که با توجه به مسئولیت شورای امنیت در حفظ و تأمین صلح و امنیت بین المللی، بر این باور هستند که لحاظ ناظر و اعمال نظارت بر تصمیمات و اختیارات شورای امنیت، موجب تنزل شأن و برهم خوردن سیستم امنیت جمعی و مآلاً نظم و انتظام بین المللی و جامعه جهانی است. اما عده ای دیگر، بر این اعتقادند که شورای امنیت بعنوان یکی از تابعان حقوق بین الملل و مانند هر نهاد و ارگان سیاسی و اداری بایستی در اتخاذ تصمیمات و اختیارات الزاماً و لابد از یکسری قواعد و نظامات پیروی نماید و نبایستی مطلق العنان و مبسوط الید باشد و الا تصمیماتش، قابل ارزیابی و خدشه و - شاید - محکوم به بطلان باشد (ICJ Rep 1993, 31, 325.1.1, ICJ Rep 1992.61).

با این همه، برای ارزیابی و پاسخگویی و به عبارت دیگر، نظارت پذیری تصمیمات شورای امنیت ملل متحد، در حقوق بین الملل معیارهائی حقوقی - که جوهره و وجود آنها، ذاتا حقوقی بوده، در حقوق بین الملل عام، دارای جایگاه ویژه و پایگاه حداکثری - هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت است - و فراحقوقی - که جوهره و وجود آنها ذاتا غیرحقوقی بوده، بیشتر جنبه میان رشته ای دارند و با علمی چون سیاست، روابط بین الملل و جامعه شناسی سیاسی، بیشتر مانوس هستند - وجود دارد . معیارهای فراحقوقی عبارتند از : ۱- نظریه مهار و توزیع قدرت، ۲- وجدان جمعی جامعه بین المللی، ۳- اخلاق بین المللی، ۴- جامعه مدنی جهانی، ۵- سیاست دانش مدار یا دانائی محور، ۶- افکار عمومی، و معیارهای حقوقی عبارتند از : ۱- اهداف و اصول ملل متحد و حقوق بین الملل، ۲- قواعد آمره، ۳- تعهدات عام الشمول، ۴- مبانی عدالت و خیر مشترک جهانی، ۵- موازین و قواعد و کنوانسیون - های حقوق بین الملل بشر دوستانه، ۶- موازین و قواعد و کنوانسیون های حقوق بشر، ۷- طی نمودن فرایند های قانونی و پاسداشت - اصل حاکمیت، ۸- اصل و نظام تفکیک قوا، ۹- نقش تحدید کننده ترویج مسئولیت بین المللی شورای امنیت، ۱۰- ظرفیت قواعد بین المللی غیرالزام آور. در این زمینه در فصل ششم منشور ملل متحد و اختصاصا در ماده ۳۳ آمده است: {طرفین هر اختلاف که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد، باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره ... یا سایر وسائل مسالمت آمیز بنا به انتخاب خود، راه حل آن را جستجو نمایند .} در این میان، دیپلماسی، معیار و ترازویی دوسویه است که هم می تواند در عداد موازین حقوقی و هم در عداد موازین فراحقوقی، طبقه بندی گردد. ما در این نوشتار، با تکیه به معیار دیپلماسی و بویژه دیپلماسی هسته ای جمهوری اسلامی ایران به سه سؤال ذیل می پردازیم. نخست این که جایگاه دیپلماسی، در موازین حقوقی و فراحقوقی حقوق بین الملل، چگونه است؟ دوم این که با توجه به موازین حقوق و روابط بین الملل، رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران در پاسخگو نمودن شورای امنیت در موضوع هسته ای، چگونه تجزیه و تحلیل می شود و سوم این که

دستاوردهای حقوقی و سیاسی توافق هسته ای و برجام کدامند؟ این پرسش‌ها مساله مقاله را روشن نموده و در ادامه به تبیین آن پرداخته می شود.

۱. دیپلماسی مقبول ملل متحد

دیپلماسی چه بعنوان فرایند و چه بعنوان مکانیسم، مفهومی مختلف الابعاد و متکثر است (واتسون، ۱۳۸۵، ۱۸). مهمترین نقش دیپلماسی، پرورش افکار عمومی سایر کشورها، ترویج موضوعات و امور مربوط به روابط خارجی، انتشار فراملی اطلاعات و ایده ها از طریق رسانه ها و مدیریت تصویر به منظور ارائه چهره مثبت از کشور و دولت متبوع و تلاش برای فهمیدن، آگاهی دادن و تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی خارجی، با هدف دنبال کردن منافع ملی هر کشور است (بیات، ۱۳۸۵: ۴۲ - ۴۵) آنچه در بطن دیپلماسی نهفته است، تلاش برای جلوگیری از تخاصم، جنگ و گسترش همکاری و - صلح - است (ظریف و سجادپور، ۱۳۸۷: ۴۳).

عباراتی همچون ما مردم ملل متحد، به تساهل و مدارا رفتار کردن، زیستن در حال صلح با یکدیگر با روحیه حسن همجواری و متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین المللی که در دیپلماسی منشور سازمان ملل متحد آمده است، همگی به نوعی یادآور دیپلماسی و منافع و محاسن کثیره آن است. یقیناً، در عصر و زمانی که تسامح و تساهل و مدارا شاخصه اصلی زیست و همکاری بین المللی است، دیپلماسی بعنوان قدرت نرم که ستون اصلی آن بر ارزش‌های برگرفته از صلح متمرکز است، نقشی پررنگ در رفع محدودیت‌های مقرر از شورای امنیت برای کشورها و دولت‌ها ناقض یا تهدید کننده صلح و امنیت بین المللی به زعم مرجع بین المللی مذکور، داشته و دارد. صرفنظر از تنوع، کثرت و فراوانی دیپلماسی در ابعاد و اقسام و اشکال، در حقوق بین الملل، به دیپلماسی بعنوان یک فرایند و ابزار کارآمد که مبنای آن بر مذاکره بعنوان یکی از روش‌های مسالمت آمیز حل و فصل و اختلافات بین المللی از طرق غیر حقوقی استوار است، نگریسته می شود.

بر همین مبناست که موضوع دیپلماسی بخصوص دیپلماسی پیش گیرانه / بازدارنده در اندیشه‌های تمامی صاحب نظران حقوق بین الملل بالاخص دبیران کل سازمان

ملل متحد، جهت مقابله با تصمیمات و عملکرد شورای امنیت در بسیاری از مناقشات جهانی، همواره مطرح و مورد تاکید بوده است. داگ هامر شولد که اصطلاح دیپلماسی پیشگیرانه را با فعالیت های او در سازمان ملل مرتبط می دانند، بر این اعتقاد بود که مداخله به موقع سازمان ملل می تواند جلوی ویرانگری های منازعه و جنگ را بگیرد (گریفیتس، ۱۳۹۴: ۵۳۲).

پطروس غالی دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد در گزارش خود تحت عنوان دستور کار برای صلح در سال ۱۳۹۲، در تبیین دیپلماسی پیشگیرانه، آنرا اقدام برای جلوگیری از بروز اختلاف میان طرفین، جلوگیری از تشدید اختلافات موجود و تبدیل شدن آنها به درگیری و در صورت بروز درگیری، محدود ساختن دامنه آن، می دانست. دیپلماسی پیشگیرانه جدید، شبیه رویه دیپلماتیک مرسوم است و از مجموعه ای از ابزارهای سیاسی، از جمله مذاکرات رسمی، میانجیگری، جمع آوری اطلاعات و اقدامات اعتماد ساز استفاده می کند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴).

از آن جا که بر اساس فصل ششم، منشور ملل متحد، شورای امنیت می تواند درباره اختلاف یا هر موقعیتی که ممکن است به برخورد منجر شود یا باعث اختلاف شود، تحقیق کند، لذا مرجع مذکور نقشی بسیار موثر در دیپلماسی پیشگیرانه دارد. بنابراین، دیپلماسی صرفنظر از اینکه، آن ها را بعنوان تکنیکی حقوقی یا تکنیکی سیاسی قلمداد نمائیم، بر مبنای ساختار و شاکله مسالمت آمیز آن، در حفظ صلح و امنیت بین المللی که غایت و مقصود شورای امنیت سازمان ملل متحد می باشد، نقشی کلیدی داشته و غیر مستقیم، کنترل کننده تصمیمات و عملکرد شورای امنیت بوده و می باشد.

۲. دیپلماسی هسته ای ایران غلبه تعامل بر تقابل

دیپلماسی هسته ای جمهوری اسلامی ایران، دارای سابقه و پیشینه ای چهارده ساله است، که با توجه به نوع تفکر دولت های حاکم اعم از اصلاح طلب، مهرورز و تدبیر و امید، رویکردهای بعضا متفاوت و حتی متضاد در این سیر تاریخی مشاهده و ملاحظه می نمائیم. با این همه، در دولت موسوم به تدبیر و امید، این دیپلماسی با

توافق هسته‌ای، نتیجه داد و به بار نشست که ما ابتدائاً سیر تاریخی و سپس دستاوردهای آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳. تبیین مساله هسته ای ایران

بلاشک، موضوع هسته ای ایران- که در ادبیات و گفتمان مرسوم از آن تعبیر به بحران می‌شد و از جمله مسائل مهمی بود. که بیش از یک دهه، جامعه جهانی، سازمان ملل متحد، شورای امنیت و دولت جمهوری اسلامی ایران را درگیر خود ساخت. در این مسئله و بحران، آمریکا توانست با اعمال طیفی از فشارها و ارایه مشوق ها، اعضای دائم و عمده اعضای غیر دائم شورای امنیت را با خود همراه سازد به نحویکه این مرجع مهم بین المللی تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، رفتار ایران در موضوع هسته ای را، تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی تشخیص داد و شدید ترین و شاید بی سابقه ترین قطعنامه های تحریمی (کلینتون، ۱۳۹۴: ۶۳۱ و ۶۵۲ و ۶۶۷) را علیه ایران صادر نمود. به عبارت دیگر، در این بحران حداقل دوازده سال ایران در مظان اتهام و درگیر بزرگترین تحریم های یک جانبه و چند جانبه بود و به همین تعداد سال در سطح جهانی، تنش، بی اعتمادی بین ایران و گروه پنج بعلاوه تشدید شده بود. موضوعاتی که مدعی اصلی یا بازیگر پشت پرده آن، آمریکا - با رویکرد دیپلماسی تنش و سیاست چماق با نگرش تنبیهی و ترغیبی با نگاه تشویقی و راهبرد دوگانه فشار و تعامل بود.

ایالات متحده با بکارگیری منابع خود، قدرت های بزرگ عضو دائمی شورای امنیت را در خصوص اعمال رژیم تحریم های بین المللی بر علیه ایران با خود همراه کرد و فراتر از آن نیز اتحادیه اروپا و متحدین خود را در آسیا در جهت اعمال تحریم هایی بیشتر بر علیه ایران همراه نمود. علاوه آنکه، باتصمیم شورای حکام آژانس بین-المللی انرژی اتمی پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع، این مرجع مهم بین المللی رفتار ایران در موضوع هسته ای را تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی تشخیص داد. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران، علی رغم نگرانی ها و دغدغه های به حقی که از صدور قطعنامه های شورای امنیت ذیل فصل

هفتم منشور ملل متحد و آثار خطیر حقوقی آن داشت، قطعنامه های تحریمی مذکور را غیر عادلانه و ناقض اصول بنیادین حقوق بین الملل و ناشی از فشار و زور می دانست. (البرادعی، ۱۳۹۲: ۲۴ - ۲۲۶).

این دلایل نزد اغیار نیز مقبولیت نسبی داشت به نحوی که محمد البرادعی مدیر کل وقت آژانس بین المللی انرژی اتمی، بعضی از قطعنامه ها را فاقد منطق و مشکوک می دانست و نسبت به مشروعیت آن تردید داشت (کلیتون، ۱۳۹۴: ۶۳۱) و حتی در گامی فراتر، وی به اعتبار یک شخصیت و حقوقدان معتبر بین المللی، قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت را استفاده اشتباه از اختیار و قدرت شورا - سوء استفاده از اختیارات - طبق فصل هفتم منشور دانست (روحانی، ۱۳۹۱: ۵۷).

با وجود این، گرچه در دوره استقرار دولت نهم و دهم در کشور ایران تصمیمات شورای امنیت بعنوان قدرتمندترین مرجع بین المللی نامشروع اعلام شد، لیکن آثار این قطعنامه ها، بر فعالیت های اقتصادی و نیز خدمات بهداشتی و درمانی کشور تاثیر گذار شده بود. برای برون رفت از این بن بست و تنش بین المللی و با روی کار آمدن دولت موسوم به تدبیر و امید - که رئیس آن سابقه ۱۶ ساله هدایت پرونده هسته ای ایران را داشت - این ذهنیت در ایران و جهان پدیدار گردید که با تعامل و از راه دیپلماسی می توان این مساله را حل و فصل کرد. بر این اساس دیپلماسی و مذاکره موثر مبنای کار قرار گرفت. امری که دارای خاستگاه فکری جدی و پیشینه به شرح پیش گفته بود.

بنا به گفته رئیس دولت یازدهم، در داخل کشور، در بحث مساله هسته ای از آغاز در سال ۱۳۸۱، شاهد بروز دو جریان فکری در کشور بودیم. جریان تعامل با جهان با درایت و حوصله و جریان تقابل و سرعت عمل. در جریان تعامل، دیپلماسی و گفتمان، نقش کلیدی و محوری را دارا بود و در داخل و خارج کشور، از دیر باز، پایگاه مستحکم و طرفداران معتبری داشت. محمد البرادعی دبیر کل پیشین آژانس بین المللی انرژی اتمی به جد این اعتقاد را داشت که دیپلماسی و گفتگو می تواند بعنوان راهبرد برای غلبه شدن بر بحران اتمی بکار آید. او می گفت دیپلماسی هسته

ای گرچه یک تجارت ملال آور و فریبنده بوده اما جاده ی پیش رو روشن است. وی ادامه می دهد که ما یک خانواده بشری واحد و بهم پیوسته ایم و چه بخواهیم و چه نخواهیم برای تأمین امنیت گروهی - در جامعه جهانی - تنها جستجو و تلاشی که می تواند برای - حل بحران هسته ای - معنا داشته باشد و ارزش پیگیری دارد، دیپلماسی است. محمد البرادعی در برابر اقدامات تنبیهی که غرب و به خصوص آمریکا و به ویژه دولت بوش تمایل به انجام آن داشت، معتقد بود که اقدامات تنبیهی نمی تواند یک سیاست درست را بنیان نهد و عملاً هیچ نوع استراتژی را بوجود نمی آورد. شاید بتواند بر نامه تسلیحات اتمی را به تاخیر اندازد. به زعم و عقیده او، دیپلماسی هسته ای تنها از راه مذاکره و مداخله مستقیم، خویشتن داری و تعهد بلند مدت امکان پذیر است. او به نیکی معتقد بود که ایالات متحده آمریکا و متحدانش باید بطور فعال در مذاکرات حضور داشته باشند و با ایران مذاکره کرده و نشان دهند که حاضرند برای حل نا امنی های - بی اعتمادی ها - بوجود آمده، تعهداتی را متقبل شوند. تمام طرفین - اعم از ایران و کشور های پنج بعلاوه یک - باید پای میز مذاکره، حاضر شوند (البرادعی، ۱۳۹۲: ۱۳۸، ۳۵۲ و ۳۵۳).

طرفداران داخلی جریان تعامل با جهان در ایران نیز - که نهایتاً موفق به حل بحران هسته ای شدند-، مراحل مختلفی را برای حل بحران مذکور در نظر داشتند. نخست رفع اتهامات و دفع خطر. دوم دیپلماسی برای حل و فصل مسئله. سوم تلاش برای پیشبرد برنامه هسته ای بر مبنای ظرفیت داخلی و چهارم ایجاد فرصت برای تأمین منافع ملی و از جمله ارتقاء روابط با کشور های صنعتی. آنها دیپلماسی آرام و مذاکره به منظور حصول نتیجه را مطمح نظر داشتند و در این راستا دارای سه هدف بودند: ۱ - جلوگیری از به بن بست رسیدن همکاری های ایران و آژانس و جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت. ۲ - فراهم کردن شرایط مناسب برای تکمیل فن آوری هسته ای. ۳ - جلوگیری از جنجال رسانه های غربی و تغییر و متقاعد کردن افکار عمومی جهان به نفع ایران و تبدیل موضع ایران از متهم به مدعی و حفظ و ارتقای روابط با کشورهای صنعتی. راهبرد و اعتقاد حامیان این نحله، علاوه بر

حرمت و حرام بودن شرعی سلاح اتمی، - مستند به فتوای عالیترین مقام حکومتی و مذهبی کشور ایران -، بر این نکته کلیدی و اخلاقی استوار بود که برنامه صلح آمیز هسته ای ایران هیچ تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی محسوب نمی شود. (روحانی، ۱۳۹۱: ۵۷ و ۱۴۹). سلاح هسته ای نه تنها برای منطقه - خاورمیانه - خطرناک است، بلکه برای خود ایران نیز پرخاطر است. یعنی داشتن سلاح هسته ای برای ایران نه امنیت ایجاد می کند، نه باز دارنده است (محمد جواد ظریف ۱۳۸۵) براین اساس و مبانی، دیپلماسی و مذاکره موثر در دستور کار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. امری که دارای خاستگاه فکری جدی و پیشینه قوی به شرح پیش گفته بود. برای اجرای این منظور دولت ایران اولاً مدیریت دیپلماسی هسته ای را از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه سپرد. معنی این کار این بود که پرونده هسته ای از فاز امنیتی خارج و بعنوان موضوعی در سیاست خارجی مطرح می گردد و ثانیاً تابو و ممنوعیت مذاکره مستقیم با آمریکا را رفع نمود. این امر نیز بدین معنی بود که ایران و آمریکا بجای انتقال پیام از طریق طرف سوم، مستقیماً دغدغه های خود را با یکدیگر مطرح کنند. ثالثاً رئیس جمهور ورود جدی تری به پرونده هسته ای نمود. وی که از جزئیات پرونده به خوبی آگاه بود، حمایتی همه جانبه برای تسهیل توافق نمود (موسویان، ۱۳۹۴: ۲۳۶). با این نوع نگرش و تغییر روش بازی، این طیف از کارگزاران حکومتی ایران که از ابتدا هدف شان این بود که بار را از دوش نظام بردارند و فضای داخلی و خارجی را آرام کنند و کشور را از بحران دور نمایند و گام به گام پرونده هسته ای را به سمت حل و فصل ببرند (روحانی، ۱۳۹۱: ۶۲۱)، سرانجام توانستند با پنجه تدبیر و با ظرافت و با دیپلماسی موثر و فعال و سازنده و با استفاده از سیاست دانش محور و روش های متعارف و مقبول در روابط بین الملل و با پاسداشت اصل حسن نیت مقبول حقوق بین الملل و با پشتوانه قوی افکار عمومی داخلی و بین المللی و بده و بستان معقول گره و قفل بحران هسته ای را باز کرده، با برجام و متعاقب آن، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت - که تمامی قطعنامه های تحریمی علیه ایران البته از نوع هسته ای را از نظر آثار معلق و پدیده -

های جدیدی را وارد ادبیات حقوق بین الملل نمود - دنیای جدیدی را بر روی ایرانیان و جهانیان بگشایند و برای اولین بار در تاریخ حقوق و روابط بین الملل، مهم ترین و جدی ترین پرونده متشکله در آژانس بین المللی انرژی اتمی، را به صورت مسالمت آمیز حل نمایند... دیپلماسی اجرای سیاستهای یک بازیگر جهانی در مقابل بازیگر دیگر است که اگر ماهرانه اجرا شود، می تواند بطور بالقوه و بالفعل، قدرت و نفوذ را در صحنه جهانی ارتقاء بخشد و برعکس اگر به خوبی اجراء نشود، قدرت بازیگر را کاهش داده، حتی ایجاد بحران می نماید (سیمبر و قربانی شیخ نشین، ۱۳۹۱: ۹۳) و دیپلماسی مطلوب برای انجام مذاکرات در برگیرنده نوع مهارت ها، زیرکی و فراست، آداب دانی، صبوری و قدرت متقاعد سازی است (بیات، ۱۳۸۵: ۴۲ - ۵۱). تیم مذاکره کننده ایران با تلفیقی از شگردهای دیپلماسی سنتی، عمومی، شبکه ای و دیجیتال (بیات، ۱۳۸۵: ۴۲ - ۴۳) و با درک صحیح مناسبات قدرت بین المللی و شناخت عمیق فلسفه مذاکره و گفتگو در ماراتن مذاکرات ژنو، لوزان و وین، این مهم را که به تعبیری نفس گیرترین مذاکرات بین المللی پس از جنگ سرد بود (سجاد پور، ۱۳۹۴). در پرتو عقلانیت و در سایه خرد با تحمل و سعه صدر و مدارا، محقق و برجام هسته ای با کشورهای پنج بعلاوه یک را با تفهیم این مطلب به آنان که زور ابزار حل و فصل این مساله نیست، بعنوان تاسیسی ویژه و پدیده ای نو در حقوق و روابط بین الملل با نرمش قهرمانانه و رعایت قواعد بازی، پایه گذاری و کاری سترگ را در راستای وظایف و منافع ملی و میهنی و صلح سازی انجام داد و رژیم تحریم های بین المللی بر علیه کشور را فروریخت.

۴. دستاورد های حقوقی و سیاسی

تقریباً موافقان و مخالفان داخلی و خارجی برجام، براین باور هستند که سند مذکور دستاوردهای عدیده سیاسی و حقوقی برای ایران داشته است. ما بدون ورود به مجادلات، بحث را با تمسک به اسناد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ و منشور ملل متحد، متمرکز بر موضوعات علمی نموده، دستاورد های سیاسی و حقوقی برجام را اجمالا از منظر حقوق بین الملل، مستدلاً تبیین می نمائیم.

۱-۴. دستاوردهای سیاسی

الف - ترویج آموزه های جدید دیپلماسی و صلح سازی

برخی از تحلیل گران، معتقدند که کار تیم مذاکره کننده هسته ای هر دو طرف در برجام مخصوصا طرف ایرانی در طول مذاکرات به قدری سترگ، آموزنده، عالمانه و مدبرانه بود که می توان تا سال های متمادی برای دولت مردان و بطور خاص برای دیپلمات های کشورهای مختلف، دانشجویان و حتی اساتیدی که به نوعی با مسائل مربوط به دیپلماسی، مطالعات صلح، مطالعات بین المللی و بطور کلی روابط و حقوق بین الملل سروکار دارند، به عنوان یک مطالعه موردی آموزنده و مفید و اثر واقع شود. اینان ادامه می دهند که موفقیت تیم مذاکره کننده در نیل به اهداف مشترک ثابت کرد که دیپلماسی بعنوان هنر، فن و علم می تواند نه تنها مانع تنش و درگیری و حتی جنگ گردد، بلکه قادر است به خدمت صلح درآید و دولت های بسیاری را از ورطه هولناک و هراسان منحصمه حتی جنگ سرد رهایی بخشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴).

ب - احیاء معاهدات تاثیر گذار بر صلح

گروهی از حقوق دانان با یاد آوری نقش بی بدیل معاهدات صلح در طول تاریخ حقوق و روابط بین الملل، برجام را بسان معاهده صلح وستفالی - که بنیان حقوق بین الملل است - قلمداد نموده، همتراز با معاهدات منعقد شده پس از جنگ جهانی اول و دوم، می دانند، قیاس می کنند و بعنوان نقطه عطفی در روابط بین الملل احصاء می نمایند. علاوه آنکه این توافق را در عصر حاضر از این منظر نیز واجد اهمیت می - دانند که یک کشور در حال توسعه توانست در رابطه با یک معضل بین المللی، با جامعه بین المللی آن هم پنج قدرت بزرگ دنیا و اتحادیه اروپا پای میز مذاکره نشسته و در جایگاهی برابر با آنها تعامل داشته باشد، چانه زنی کند و طرف مذاکره کننده هم رویکرد مثبتی در این خصوص داشته باشد که از طریق مذاکرات می توان به نتایج قانع کننده دست یافت (قنبری جهرمی، ۱۳۹۴، ۱۸).

ج - توسل به دیپلماسی در سیاست خارجی

برخی از اندیشمندان حقوق بین الملل با لحاظ و بررسی فروض مختلف با عنایت به اینکه نتیجه حاصل از مذاکرات ژنو و لوزان و وین یعنی برجام در حوزه روابط بین الملل رخ داده، برجام- بدون قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت- را یک پدیده دیپلماتیک می دانند که از این منظر اساساً وارد حوزه حقوق بین الملل نشده است. اینها انجام دهنده کار را دیپلمات ها و مقامات رسمی کشورها می دانند که مذاکرات را هدایت کردند و کار را تمام کردند و نقش حقوقدانان را موثر و تعیین کننده ای نمی دانند. بر همین مبنا، برجام یک توافق سیاسی است که در حوزه روابط بین الملل انجام شده و سازکار حل و فصل اختلافات احتمالی ناشی از آن نیز، یک سازکار دیپلماتیک است (مجبی، ۱۳۹۴: ۵۲)، و از این منظر توافق هسته ای ایران را تجلی دیپلماسی در سیاست خارجی ایران در مواجهه با چالشی بیرونی است.

۲-۴. دستاورد های حقوقی

الف- وصف تجربیدی سند

حقوقدانان گرچه همگی برجام را پدیده ای نو ظهور و جدید می دانند اما در توصیف حقوقی برجام دارای اختلاف نظر هستند. عده ای سندی که در چارچوب برجام تنظیم شده را از نوع حقوق نرم می دانند که قالب الزام آور داشته ولی در محتوا و چگونگی اجرا منعطف و فاقد ضمانت اجرای حقوقی متعارف است و الزام آنرا الزام سیاسی مبتنی بر نحوه ی توزیع قدرت و معادله قدرت در عرصه بین المللی می دانند که گاه از ضمانت اجرای حقوقی بین المللی موثرتر است. لذا مایلند برجام را در حوزه روابط بین الملل و نه حقوق بین الملل دسته بندی کنند.

علاوه آنکه، استناداً به ماده ی ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در تعریف معاهده، با عنایت به اینکه برجام عناصر متشکله یک معاهده در حقوق بین الملل، بخصوص از جهت قصد طرفین مبنی بر ایجاد تعهد را نداشته است، صرفاً یک سند و توافق سیاسی مثل موافقتنامه نراکتی، (۱۰) موافقت نامه دو فاکتو، غیر رسمی، غیر حقوقی و یادداشت تفاهم بوده و معاهده قلمداد نمی گردد تا تحت حاکمیت حقوق بین الملل قرار گیرد.

بنابراین، ایجاد تعهد حقوقی نمی نماید. (محبی و قنبری جهرمی و محمودی، ۱۳۹۴). گروهی دیگر، با رد عقیده مخالفین - مبنی بر معاهده ندانستن برجام - که دلالتی چون فقد قصد و نیت طرفین در انعقاد معاهده، عدم امضاء و برگشت پذیر بودن نظام ضمانت اجراء در آن، تفاوت ترتیبات حل و فصل اختلافات در برجام باروش های سیاسی و حقوقی معمول و متعارف حقوق بین الملل، افعال و الفاظ بکار رفته در آن، نداشتن امین، عدم طرح و تصویب آن در مراجع تقنینی کشورهای آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه و چین و مهمتر از همه معاهده ندانستن برجام توسط آمریکا بعنوان طرف اصلی مذاکره با ایران، را برای اثبات ادعای خود طرح نموده اند، برجام را واجد اوصاف معاهده موضوع ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در حقوق معاهدات دانسته و آنرا یک معاهده بین المللی تلقی می کنند، توصیف برجام با عناوینی چونان موافقتنامه نزاکتی، دوفاکتو، غیر رسمی، غیر حقوقی و یادداشت تفاهم را مبتنی بر اشتباه می دانند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴).

ب - وصف عینی سند

اگر برجام را بعنوان ضمیمه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تلقی نمائیم - که در عالم واقع و حقیقتا چنین است، - باید بپذیریم با عنایت به اینکه قطعنامه مزبور شورای امنیت، یک قطعنامه الزام آور برای همه اعضای ملل متحد بوده و نظر به اینکه برجام به قطعنامه یاد شده منضم شده است، بنابر این هر دو لازم الاتباع هستند هر چند که ذیل فصل هفتم منشور آورده نشده و به آن استناد نگردیده باشد. به عقیده این طیف از حقوقدانان، استناد به مادتين ۲۵ و ۴۱ منشور در قطعنامه یاد شده، نشان دیگری از لازم الاجراء بودن اسناد مذکور بوده و دول عضو ملل متحد متعهد به قبول تصمیمات شورای امنیت و اجرای فرامین آن در این خصوص هستند (قنبری جهرمی و عبداللهی، ۱۳۹۴)

ج - ضمانت اجراء و مکانیسم ماشه

نظام ضمانت اجراء در برجام برگشت پذیر بوده و در آن یک سیستم خود بسنده وجود دارد که اقدام به مقابله به مثل از آن مستفاد می گردد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴)

البته نباید از این موضوع چنین برداشت شود که هر دولت به سادگی با ادعای نقض فاحش یا نقض مهمی از سوی ایران، می تواند با اقدام متقابل، مبادرت به سرگیری اعمال تحریم بکند. واقعیت این است که با سازکار پیش بینی شده در برجام به نوعی تلاش گردیده که جلوی خود قضاوتی و خودسری دولت ها گرفته شود. این مسئله در چارچوب ساختار شورای امنیت که کاملاً قدرت محور است، واضح و روشن است. مضافاً به اینکه پیش بینی لایه های حقوقی متعدد و وجود قیود حفاظتی مثل آنچه در بند ۱۴ قطعنامه آمده است، بحث بازگشت پذیری قطعنامه های پیشینی علیه ایران را محدود و تا حدودی خنثی می کند. علاوه اینکه به فرض پذیرش خود بخود بازگشت تحریم ها با خود سری و تشخیص یک دولت و بدون ارائه دلایل قابل قبول، همراهی اتحادیه اروپا به این آسانی صورت نخواهد گرفت و یقیناً تحریم های یک جانبه ای که اتحادیه مذکور علیه ایران وضع کرده است، به راحتی اعاده و باز نخواهد گشت (عبدالهی، ۱۳۹۴).

اگر بخواهیم از دریچه دیگر به موضوع ضمانت اجراء بنگریم، به عقیده بعضی از حقوقدانان، پیش بینی شیوه الغاء و بی اثر کردن برجام و قطعنامه نیز از جمله ابتکارات سند هست. به طوریکه اساساً تحت هیچ شرایطی مناسبات میان طرفین منتهی به اختلاف حقوقی نمی گردد و به تبع آن به یک مرجع قضائی نیز ارجاع نمی شود که این اساساً امر نادر و پدیده جدیدی است. به عبارتی، پایبندی و اجرای تعهدات توسط طرفین ضمانت اجرای آن است و در صورت نقض جدی، برجام و قطعنامه ظرف مدت کوتاهی لغو و بلااثر می گردد. براین اساس و استناداً به بند ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ چنانچه مراحل پیش بینی شده طی شود و یکی از کشورهای صاحب حق و تو در مرحله راستی آزمائی و اعتبار سنجی و اعتمادسازی به این جمع بندی برسد که پایبندی به تعهدات از سوی ایران صورت نگرفته و تخلفی انجام داده است، همه ی تحریم هایی که از سوی شورای امنیت لغو شده بود، بلافاصله طی ۳۰ روز، لازم الاجراء می شود. - یعنی ماشه وار و خود به خود اعاده می گردد- (قنبری

جهرمی، ۱۳۹۴) ناگفته نماند قسمت اخیر بحث قابل طرح در شق پنجم دستاوردهای حقوقی موضوع این مقاله نیز می باشد.

د - طول عمر و زمان اختتام

در متون اسناد قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام، نص صریحی راجع به خاتمه خود برجام دیده نمی شود. گفتمان فانتزیک وزیر انرژی آمریکا مبنی بر اینکه برجام سندی هست که در آن غروب پیش بینی نشده، گرچه مبالغه آمیز می نماید، بیانگر این موضوع و عدم تعیین تاریخ دقیق اختتام در قالب یک ماده قانونی خاص است. در برجام فواصل زمانی سه گانه ۱۵، ۱۰ و ۲۵ سال و در قطعنامه نیز به اعداد ۸ و ۱۰ سال اشاره شده است. با وجود این، هر چند برجام ماده در خصوص خاتمه خودش ندارد ولی عملاً پس از سپری شدن ده سال مهمترین تعهدات طرفینی خاتمه پیدا می کند و بر این اساس شاید با اندکی غمض و مسامحه می توان برجام را سندی ده ساله دانست هر چند که تعهدات مختصری برای ایران به خصوص در حوزه نظارت طی ۱۵ و ۲۵ سال باقی می ماند (عبدلهی، ۱۳۹۴).

ه - پیش بینی سازکار خاص جهت حل و فصل اختلافات

نظام حل و فصل اختلافات برجام به ویژه از لحاظ طول عمر مناقشه برانگیز است. از یک طرف قطعنامه ۲۲۳۱ اعلام می کند که پس از ده سال به شرط اینکه از سازکار بازگشت پذیری در این ده سال استفاده نشود، کلیه تحریم ها و قطعنامه های تحریمی و خود قطعنامه ۲۲۳۱ خاتمه پیدا می کند و وضعیت ایران از شورای امنیت خارج خواهد شد. اما از طرف دیگر به موجب مادتين ۳۶ و ۳۷ برجام طول عمر نظام حل و فصل اختلافات به ۲۵ سال تسری پیدا کرده است. از نظر مراجع رسیدگی کننده به اختلافات نیز ما شاهد بدعتی در حقوق بین الملل هستیم و یک سازکار چند لایه در این خصوص از مذاکرات طرفینی تا رسیدگی کمیسیون خاص و نهایتاً ورود شورای امنیت بعنوان آخرین لایه سازکار، لحاظ گردیده است. با وجود این، سازکار حل اختلاف در برجام را باید قابل قبول بدانیم (عبدلهی، ۱۳۹۴).

و - پذیرش حق غنی سازی هسته ای ایران در قالب یک سند بین المللی یکی از مسائلی که در بحران هسته ای ایران نمود چشمگیر داشت و در مجامع ملی و بین المللی از آن، بارها سخن گفته و مطرح می گردید، موضوع حق یا عدم حق غنی سازی هسته ای بود. واقعیت آن است که در هیچ سند بین المللی به صراحت به حق غنی سازی بعنوان یکی از حقوق اولیه ی اصل حق فعالیت مسالمت آمیز هسته ای اشاره نشده است. لیکن در برجام هیچکس نمی تواند انکار کند که کمینه بطور ضمنی حق بر غنی سازی برای دولت ایران به رسمیت شناخته شده است. این ایهام درونی شاید به خاطر مسائل سیاسی و نگرانی هایی باشد که دولت های دیگر در حال توسعه بخصوص کشورهای حوزه خلیج فارس در این رابطه داشته اند. احتمال دیگر از عدم پیش بینی صریح حق غنی سازی در برجام، آن است که رفع و دفع بهانه از دولت هائی نماید که شاید بخواهند به استناد سند موصوف به فعالیت های هسته ای مبادرت ورزند و از جامعه جهانی خواستار به رسمیت شناختن و مطالبه چنین حقی شوند. براین مبنا است که به عقیده حقوقدانان، قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام احتمالا هیچ رویه ای را درباره اصول یا رویه های بین المللی ایجاد نمی کند (عبداللهی، ۱۳۹۴)

ز - کار آمدی مذاکره بعنوان ابزاری متقن در حل و فصل اختلافات

مذاکره، گفتگو و تعامل در طول تاریخ همیشه رافع بسیاری از منازعات و مشکلات و درگیری ها در سطح ملی و فراملی بوده است. در موضوع بحث، هیأت مذاکره کننده ایرانی و یقینا گروه پنج بعلاوه یک، کاملا به این موارد و اهمیت ماده ۳۳ منشور ملل متحد موضوع فصل ششم در خصوص حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات از طریق مذاکره واقف بودند و مذاکره و دیپلماسی را یکی از طرق حقوقی و سیاسی حل مناقشات بین المللی و منجمله بحران هسته ای می دانستند. معرفت اینان نسبت به آداب مذاکره و پذیرش این نکته که مذاکره یک نوع داد و ستد و بده بستان برای حصول نتیجه است، راه را برای بازکردن بن بست به وجود آمده و حل بحران، هموار، توافق مطلوب که مرضی طرفین بود، محقق ساخت.

ح - پذیرش توأمان قطعنامه شورای امنیت و برجام بعنوان سند بین المللی مرجح مرتبت و فضل قطعنامه های سازمان ملل متحد براساس فصل هفتم منشور بر دیگر قطعنامه های توصیه ای بر هیچکس مستور نیست. دراین راستا، توافق ایران با کشورهای پنج بعلاوه یک ویژگی خاص و نودیدگری نیز در خصوص نحوه الزام آور کردن برجام در حقوق بین الملل با منضم ساختن آن به یک قطعنامه الزام آور شورای امنیت برای همه اعضای سازمان ملل دارد.

بنابراین، قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام که جزء منضمات لاینفک آن می باشد، مطابق ماده ۲۵ منشور که به آن اشاره گردیده، برای همه کشورها چه آن کشوری که مورد خطاب قرار گرفته و چه سایر کشورها، لازم الاتباع و فراگیر بوده و همگی دولت ها موظف به رعایت هر دو سند هستند. (قنبری جهومی، ۱۳۹۴)

ط - مهار قدرت با قدرت

ایران بعنوان یک راهبرد و با توجه به نقش ممتاز پنج عضو دائم شورای امنیت در تصویب یا لغو قطعنامه های موضوع فصل هفتم منشور ملل متحد، از همه ی ظرفیت ها برای گفتگو با تمامی اعضاء استفاده، بده و بستن های سیاسی و حقوقی را در دستور کار قرار داده، بر همین مبنا نیز عمل نمود (سادات میدانی، ۱۳۹۴)

سوم - دستاورد های خاص منطقه ای

برجام و توافق هسته ای، پیامدهای منطقه ای نیز برای سیاست جمهوری اسلامی ایران داشته است. در این خصوص، اگرچه دو روایت وجود دارد وعده ای، برجام را فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه دانسته و آنرا مثبت و سازنده ارزیابی می کنند وعده ای دیگر، برجام را غیر سازنده و چالش برانگیز معرفی می نمایند (نوازانی و دیگران، ۱۳۹۴) با وجود این، به زعم ما، فرصتهای منطقه ای برجام، بر تهدیدات منطقه ای چربش داشته و غالب است. با این نوع دیدگاه، ما فقط فرصت ها را در قالب دستاورد به شرح ذیل شمارش می نمائیم. - با این توضیح که خیلی از اینها جزء دستاوردهای سیاسی به شرح پیش گفته نیز محسوب و شاید با لسانی کامل تر در آنجا، آمده است.

- ۱- ارتقاء وزن دیپلماسی کشور در معادلات منطقه ای
 - ۲- تقویت جایگاه اقتصادی و رشد موقعیت سیاسی و نظامی وژئوپلیتیک ایران
 - ۳- رویارویی با پروژه ایران هراسی و تنش های منطقه ای و فراهم نمودن زمینه برای غیر امنیتی سازی پرونده هسته ای
 - ۴- ایجاد آرامش و تلطیف فضای منطقه و جهان و فراهم نمودن فضای خوش بینی و تشویق کشورهای مختلف دنیا به توسعه روابط با ایران
 - ۵- مهیا نمودن بسته های تشویقی برای همکاری کشورهای اسلامی با ایران جهت مبارزه با تروریسم و افراط گرایی
 - ۶- افزایش ظرفیت همکاری با قدرت های جهانی برای مقابله با گروه تروریستی داعش
 - ۷- ترفیع مشروعیت بین المللی حکومت ایران
 - ۸- ارتقاء اهمیت ژئوپلیتیک و هژمونی منطقه ای ایران
 - ۹- حذف تهدید هسته ای از سپهر امنیتی خاور میانه
- ایجادگفتمان و ادبیات جدید در حقوق بین الملل نقش ممتاز این رشته حقوقی را می توان از دیگر دستاوردهای حقوقی برجام دانست. به هر روی، دولت ایران در این مساله پیچیده، با بهره گیری از دیپلماسی هوشمندانه، از شمول تصمیمات شورای امنیت موضوع فصل هفتم منشور ملل متحد، خارج، به خواسته مدنظر خود که همانا مختومه کردن مهمترین پرونده متشکله در طول عمر آژانس بین المللی انرژی اتمی و لغو شش قطعنامه ی تحریمی هسته ای شورای امنیت به موجب یک قطعنامه بود، رسید و برای اولین بار در تاریخ حقوق بین الملل، وقوع چنین تصمیم های مهم حقوقی - سیاسی در شورای امنیت، بنام ایران، نگاشته، ثبت و ضبط گردید. با این همه، اطلاق صفت اولین و تحسین برانگیز برای این دستاورد، گرچه به خودی خود امتیاز و ارزش نیست. با وجود این و صرف نظر از ارزش شکلی، ظاهری، رسانه ای و تبلیغاتی آن برای دولت ایران، از نظر علمی، موفقیت فوق راهی جدید را فراروی دیپلماسی قرار داده، کارائی پویائی و توانمندی حقوق بین الملل را جهت غلبه

برچالش های بین المللی و مشکلات موجود جامعه جهانی، نشان داده، نوآوری ها و توانائی دیپلماسی دویاچندجانبه را تبیین، از این جهات یقینا ارزشمند و دارای ارج و قرب ماهوی و قابل اعتناء است. چنانچه این امر باعث بهتر شدن و ترفیع چهره بین المللی ایران و امن تر شدن جهان گردید.

از سوی دیگر، برجام که ماحصل مذاکرات تاریخی ایران و کشورهای پنج بعلاوه یک است، سندی بین المللی، تعهدآور، پرحجم و مفصل، پیچیده، حساس، چندوجهی، خاص و چه بسا الگوساز و افتخارآفرین از نظر حقوق و روابط بین الملل بوده، با وجود این، شواهد و قرائن نشان میدهد که سند مزبور، نشانگر معامله ای مرضی الطرفینی، دربرگیرنده خواسته های حداقلی و نه حداکثری ایران و گروه پنج بعلاوه یک است.

نتیجه گیری

دیپلماسی بعنوان معیاری حقوقی و فراحقوقی به شرح پیش گفته، یکی از ابزارهای کارآمد جهت نظارت مند نمودن شورای امنیت تلقی شده و نقش غیر قابل انکاری در محدود نمودن و کنترل اختیارات شورای امنیت دارد. بر همین مبنا بود که دولت جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه عالی ترین مقام حکومتی و مذهبی و تمام قوای حکومتی و آحاد ملت ایران و در مقطع خاص زمانی، با کشورهای پنج بعلاوه یک به توافق دست یابد به نحویکه، توافق هسته ای و برجام بعنوان نماد اعلائی دیپلماسی در عصر حاضر، توانست موضوع نظارت پذیری شورای امنیت را با تعلیق قطعنامه ای شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران، عملاً محقق و به منصفی ظهور رساند. علاوه آنکه، دیپلماسی هسته ای دولت جمهوری اسلامی ایران توانست جایگاه حقوق و روابط بین الملل و نظم جامعه جهانی را ترفیع و بهبود بخشد و با دستاوردهای بدیع سیاسی و حقوقی، به خوبی نشان داد و تصدیق نمود که اولاً: سنجه مذکور «دیپلماسی»، یکی از قوی ترین معیارهای پاسخگوئی شورای امنیت در دنیای امروز تلقی می شود و ثانیاً: امر مزبور بعنوان یکی از موازین حقوق و

روابط بین الملل - منظور حقوق بین الملل مبتنی بر همکاری و همدلی است و نه حقوق بین الملل نشأت گرفته از قدرت و متاثر از منافع بازیگران قدرتمندتر است بنابراین دفاع موثر از منافع ملی نیز مستلزم افزایش قدرت ملی است.



منابع

الف - فارسی

احساندوست، نسرين، ۱۳۹۲. رویکرد پیشگیرانه سازمان ملل متحد در جلوگیری از درگیری های مسلحانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

البرادعی، محمد. ۱۳۹۲، ترجمه درشتی، فیروزه و صفائی، شیما، انتشارات ایران، چاپ اول.

بیات، محمود، ۱۳۸۵. دیپلماسی دیجیتال، انتشارات مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

نوازی، بهرام و قاسمی، حاکم و فرسائی، شهرام ۱۳۹۴. «ارزیابی محافل غربی از پیامدهای خاور میانه ای برجام برای سیاست خارجی ایران» فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۴.

راجی، محمد مهدی، ۱۳۹۴. آقای سفیر، گفت گو با محمد جواد ظریف، نشر نی، چاپ هفتم.

روحانی، حسن ۱۳۹۱. امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهاردهم.

روزنامه ایران، سال بیست و یکم، شماره ۶۰۰۰، پنج شنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۹۴. سادات میدانی، سید حسین، ۱۳۸۴. صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

سایت انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۲ مردادماه ۱۳۹۴ گزارش نشست ابعاد حقوقی برجام هسته ای.

سیمبر، رضا و قربانی شیخ، ارسلان، ۱۳۹۱. روابط بین الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، سمت، چاپ سوم.

شایگان، فریده، بهار ۱۳۸۰. شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین المللی، زیر نظر ممتاز جمشید، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

شریف، محمد، ۱۳۷۷. بررسی دکتربین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، انتشارات اطلاعات.

ظریف، محمد جواد و سجادیپور، سید محمد کاظم، ۱۳۸۷. دیپلماسی چند جانبه، جلد اول، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول .

فلسفی، هدایت اله ۱۳۹۰. صلح جاویدان و حکومت قانون، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو

کلینتون، هیلاری، ۱۳۹۴. گزینه های دشوار، ترجمه عبدالرشیدی، علی اکبر، انتشارات اطلاعات، تهران.

گریفیتس، مارتین، ۱۳۹۴. دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه طیب، علیرضا، نشر نی، چاپ سوم .

موسویان، سید حسین، ۱۳۹۴. روایت بحران هسته ای ایران، ناگفته های یک دیپلمات، انتشارات تیسرا، تهران.

واتسون، آدام، ۱۳۸۵. دیپلماسی ترجمه آقای، سید داود و گل افشان، لیلی، انتشارات نسل نیکان، تهران.

هفته نامه خبری، تحلیلی صدا، شنبه ۳۱ مردادماه ۱۳۹۴ دوره جدید، شماره ۴۸ .

ب - انگلیسی

Anderson Banco , Erin 2016, Brexit Impact :UK Could Drop Sanctions to Trade with Iran, International Business Times , available at : [http:// www.ibtimes.com/brexit-impact-uk-could-drop-sanctions-trade-iran-388271](http://www.ibtimes.com/brexit-impact-uk-could-drop-sanctions-trade-iran-388271).

Chatham house 2016,Iran Politics and Foreign, Policy , Chatham House ,available at :[https://www. Chathamhouse.org/event/ irans-politics-and-foreign-policy](https://www.Chathamhouse.org/event/irans-politics-and-foreign-policy).

European Union 2016,An EU Strategy for Relations with Iran After the Nuclear Deal, available at : <http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2016/578005/EXPO-IDA2016578005-EN.pdf>

Hsu, Sara2016 ,China,s Relations With Iran :A Threat to the West? The Diplomat ,available at : <http://thediplomat.com/2016/01/chinas-relations-with-iran-a-threat-to-the-west/>.

Phillips, James 2015, The Dangerous Regional Implications of the Iran Nuclear Agreement , Heritage, available at : <http://www.org/research/reports/2016/05/the-dangerous-regional-implications-of-the-iran-nuclear-agreement>.

Pollack,Kenneth M 2015,U.S .Policy toward the Middle East after the Iranian Nuclear Agreement ,Brookings , available at : <http://www.brookings.edu/testimonies/u-s-policy-toward-the-middle-east-after-the-iranian-nuclear-agreement/>.

- Ruff, Abdul2016, Growing Russia-Iran Military Relations: An Illusion? Oreign Policy News, available at :
<http://f.org/2016/09/02/growing-russia-iran-military-relations-illusion/>.
- Levit, Matthew 2016 , Irans Support for Terrorism under the JCPOA ,Washington Institute , available at :
<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/irans-support-for-terrorism-undr-the-jcpoa>.
- Shaw , Malcolm N, International law , Cambridge University Press, 6 th Edition , 2008
- Sick, Gary 2016, Regional Implications of the JCPOA, The Daily Journalist , available at : [http:// thedailyjournalist.com/the-strategist/regional-implications-of-the-jcpoa/](http://thedailyjournalist.com/the-strategist/regional-implications-of-the-jcpoa/).
- Tierney , John2016, The Iran Deal :One Year Later ,the Fact Point to Success , Huffington Post , available at :
<http://www.HuffingtonPost.com/john-tierney/the-iran-deal-one-year-la-b-10948878.html>
- Torabi , Nima 2016, JCPOA : Rouhanis true Worth and Implications for Businesses in Iran , available at:
<http://www.linkedin.com/pulse/jcpoa-ii-rouhanis-true-worth-implications-businesses-iran-nima-torabi>.
- Zarate, Juan2015, The Implications of Sanctions Relief under the Iran Agreement ,Center for strategic and International studies , available at <http://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy-files/files/attachments/ts150805-Zarate.pdf>.